

کتاب یوئیل اور لاودیکه کی سیونته ڈے ایڈونٹسٹ کلیسیا

— نمبر پچیس

Jeff Pippenger

2026-01-11

شماره بیست و پنجم

کتاب یوئیل، رہبری کلیسای ادونتیسٹ روز ہفتم لائودیکہ را با شہادتِ تَمَرِّدِ فزاینده آن در طیّ چهار نسل مواجه می‌سازد. این چهار نسل همچنین در فصل هشتم حزقیال به تصویر کشیده شده‌اند، جایی که بیست و پنج مرد آن نسل چهارم در برابر خورشید سجده می‌کنند. در سال ۱۹۰۱، سیزده سال پس از تَمَرِّدِ ۱۸۸۸، کلیسای ادونتیسٹ کمیته‌ای را برای رہبری کلیسا سازمان‌دهی کرد.

کمیته اجرایی نخستین کنفرانس عمومی در جریان تجدید سازمان عمده در اجلاس کنفرانس عمومی سال ۱۹۰۱ تأسیس شد، و از ۲۵ عضو تشکیل می‌یافت. این امر گسترشی چشمگیر نسبت به کمیته پیش از ۱۹۰۱ بود که تنها ۱۳ عضو داشت. شمار اعضا در طول سال‌ها افزایش یافته است، اما عیسی همواره پایان را با آغاز مشخص می‌سازد. آغاز، ۲۵ عضو بود، با یک نفر به عنوان رهبر، که با سیر خدمتی در قدس‌گاه مطابقت داشت؛ سیری که از ۲۴ کاهن و یک کاهن اعظم تشکیل می‌شد.

یهودا و سنهدرین دو نمادِ عصیان در زمانِ مسیح هستند. سنهدرین نمایانگر کلیسای لائودیکه‌ای ادونتیسٹ روز هفتم است. مشارکتِ سنهدرین در مصلوب ساختنِ مسیح، نقشی را که ادونتیسْم در بحرانِ قانونِ یکشنبه ایفا می‌کند، به صورتِ نمادین پیش‌نمونه‌سازی می‌کند. سنهدرین—شورای عالی یهود در اورشلیم، متشکل از رؤسای کهنه، مشایخ و کاتبان، به ریاستِ قیافا، کاهن اعظم—در رویدادهایی که به مرگِ عیسی انجامید، نقشی محوری ایفا کرد.

پس از دستگیری عیسی در جتسیمانی — که با خیانتِ یهودا تدارک دیده شده بود — او را در شب به حضور سنهدرین در خانه قیافا آوردند. آنان در پی شهادتی بودند تا او را محکوم کنند، و شاهدانی آوردند که او را به کفرگویی و شورش متهم می‌ساختند.

هنگامی که قیافا به طور مستقیم از عیسی پرسید آیا او مسیح است (یا پسر خدا)، پاسخ تأییدی عیسی، «تو گفتی»، موجب شد کاهن اعظم اعلام کند: «کفر!» شورا او را مستوجب مرگ محکوم کرد. چون تحت حاکمیت روم اختیار اجرای احکام اعدام را نداشتند، عیسی را به پونتئوس پیلاتس، والی رومی، سپردند و او را به فتنه‌انگیزی متهم کردند تا اعدام او به دست رومیان انجام شود. مصلوب شدن واقعی به دست سربازان رومی و به فرمان پیلاتس انجام گرفت، اما تنها پس از آنکه پیلاتس در برابر فشار سران کاهنان و جمعیت (که مرگِ عیسی و آزادی باراباس را مطالبه می‌کردند) تسلیم شد.

«چون مسیح بر این زمین بود، جهان براباس را برگزید. و امروز نیز جهان و کلیساها همان انتخاب را می‌کنند. صحنه‌های خیانت، رد، و مصلوب شدن مسیح از نو به اجرا درآمده‌اند، و بار دیگر نیز در مقیاسی عظیم از نو به اجرا درخواهند آمد. مردم از خصایص دشمن آکنده خواهند شد، و فریب‌های او در میان ایشان قدرتی عظیم خواهد یافت. درست به همان اندازه‌ای که نور رد شود، بدفهمی و سوءتفاهم پدید خواهد آمد. آنان که مسیح را رد می‌کنند و براباس را برمی‌گزینند، زیر نفوذ فریبی هلاکت‌بار عمل می‌کنند. تحریف و شهادت دروغ به شورش آشکار خواهد انجامید. چون چشم بد باشد، تمامی بدن از ظلمت پر خواهد شد. آنان که محبت خویش را به هر رهبری جز مسیح می‌سپارند، خود را در تحت تسلطِ تن و جان و روح نوعی شیفتگی خواهند یافت که چنان افسونگر است که تحت قدرت آن، جان‌ها از شنیدن حقیقت روی می‌گردانند تا دروغ را باور کنند.

ایشان در دام افتاده و گرفتار شده‌اند، و با هر عمل خود فریاد برمی‌آورند: براباس را برای ما آزاد کن، اما مسیح را مصلوب ساز.»

«یہ فیصلہ ابھی بھی کیا جا رہا ہے۔ صلیب پر جو مناظر ادا کیے گئے تھے، وہ پھر سے ادا کیے جا رہے ہیں۔ ان کلیسیاؤں میں جو سچائی اور راست بازی سے برگشتہ ہو چکی ہیں، یہ ظاہر کیا جا رہا ہے کہ جب خدا کی محبت جان میں قائم و دائم اصول نہ ہو تو انسانی فطرت کیا کر سکتی ہے اور کیا کرے گی۔ ہمیں کسی ایسی بات پر تعجب نہیں کرنا چاہیے جو اب واقع ہو سکتی ہے۔ ہمیں ہولناکی کے کسی بھی ظہور پر حیران نہیں ہونا چاہیے۔ جو لوگ اپنے ناپاک پاؤں تلے خدا کی شریعت کو روندتے ہیں، انہی کا سا روح رکھتے ہیں جیسا ان آدمیوں کا تھا جنہوں نے یسوع کی توہین کی اور اُسے سپرد کیا۔ ضمیر کی کسی خلش کے بغیر، وہ اپنے باپ، ابلیس، کے کام کریں گے۔ وہ وہی سوال کریں گے جو یہوداہ کے غدار ہونٹوں سے نکلا تھا: اگر میں یسوع مسیح کو تمہارے حوالے کر دوں تو تم مجھے کیا دو گے؟ ابھی بھی مسیح اُس کے مقدسین کے شخص میں سپرد کیا جا رہا ہے۔» Review and Herald، 30 جنوری، 1900۔

اگر این متن واقعاً همان را معنا می‌دهد که می‌گوید، آنگاه کسانی که به عنوان «برگزینندگان باراباس» شناخته می‌شدند، قادر نخواهند بود آنچه را که این متن تعلیم می‌دهد درک کنند. اینان همان مردمی هستند که در ۲ سالونیکیان از ایشان سخن رفته است که چون حقیقت را دوست نداشتند، گرفتار ضلالت قوی می‌شوند. او درباره کسانی که باراباس را برمی‌گزینند، می‌گوید: «کسانی که عواطف خود را به هر رهبری جز مسیح می‌سپارند، خود را زیر سلطه شیفتگی‌ای خواهند یافت که چنان افسون‌کننده است که جان‌ها تحت قدرت آن از شنیدن حقیقت روی برمی‌تابند تا دروغ را باور کنند.» کسانی که باراباس را برمی‌گزینند، پیش از نشانه صلیب و قانون یکشنبه، زیر سلطه شیطان هستند. در آن وضعیت، محال است بتوانند آنچه را که این متن تعلیم می‌دهد درک کنند. بنابراین، چنین پیشنهاد خواهند کرد که «اوضاعی که هنگام نگارش این سخنان به وسیله خواهر وایت وجود داشت، مربوط به همان تاریخ خاص بود، نه اکنون.» شاید بگویند: «او درباره مسیحیت به طور کلی سخن می‌گوید، و این امر مستقیماً بر ادونتیسست‌های روز هفتم انطباق ندارد.» یاوه.

البته، شرایط تاریخی زمانه‌ای که خواهر وایت آن سخنان را نوشت، در واقع تفسیری بر تاریخ شخصی او بود؛ اما همان‌گونه که درباره یوحنا در مکاشفه می‌بینیم، هنگامی که به نبی گفته می‌شود بنویسد، به او گفته می‌شود: «آنچه دیده‌ای، و آنچه هست، و آنچه بعد از این خواهد شد» را بنویس. هنگامی که نبی امور موجود را ثبت می‌کند، هم‌زمان امور آینده را نیز ثبت می‌نماید.

رهبری ادونتیسسم به وسیله بیست و پنج مرد حزقیال نمایانده شده است، که همچنین از نظر نبوی با دویست و پنجاه مردی که با قورح، داتان و ابیرام ایستادند، هم‌راستا هستند. به همان اندازه مهم، شورشیان ۱۸۸۸ و کنفرانس عمومی مینیآپولیس از سوی خواهر وایت به عنوان کسانی معرفی شدند که شورش قورح، داتان و ابیرام را تکرار می‌کردند. خواهر وایت به صراحت تعلیم می‌دهد که هنگامی که فرشته مکاشفه هجده فرود می‌آید و زمین را با جلال خویش روشن می‌سازد، باران آخر آغاز می‌شود.

«باران آخر باید بر قوم خدا فرو ریزد. فرشته‌ای نیرومند باید از آسمان فرود آید، و تمامی زمین از جلال او روشن گردد.» Review and Herald، ۲۱ آوریل ۱۸۹۱.

هر وایت به صراحت تعلیم می‌دهد که فرشته مکاشفه هجده در کنفرانس عمومی ۱۸۸۸ همراه با پیام‌های ا. ت. جونز و ا. ج. واگنر نازل شد. هنگامی که او در آن کنفرانس حضور داشت، از شدت طغیان چنان مبهوت و متأثر شد که تصمیم گرفت اسباب خود را جمع کند و آنجا را ترک گوید؛ اما فرشته‌ای به او گفت که باید بماند و این تاریخ را ثبت کند، زیرا آن تکرار طغیان قورح بود. اگر قرار نبود

این امر برای شهادتی در ایام آخر ثبت شود، چرا فرشته می‌خواست که ثبت گردد؟ اگر این شهادتی برای ایام آخر است، پس جز این چه معنایی می‌تواند داشته باشد؛ مگر اینکه کلیسای ادونتیسست هفتم لاودیکه در بحران قانون یک‌شنبه، و به‌ویژه در تاریخی که به آن منتهی می‌شود، در جای پای سنهدرین گام خواهد نهاد.

پیام جونز و واگنر به‌عنوان «پیام عادل‌شمردگی به‌وسیله ایمان، به‌راستی»، «پیام لاودیکه»، «پیام پارسایی مسیح» و «پیام فرشته سوم» معرفی شد. یاغیان در برابر این پیام مقاومت کردند و نیز رهنمود روح نبوت و پیام‌آوران برگزیده آن اجتماع را رد نمودند. خواهر وایت همچنین تعلیم می‌دهد که هنگامی که بناهای عظیم شهر نیویورک، با لمسی از قدرت خدا، فرو افکنده شوند، آنگاه مکاشفه ۱۸:۳ به انجام خواهد رسید. از زمان ۱۱ سپتامبر، رهبری کلیسای ادونتیسست روز هفتم لاودیکه، شورش قورح، شورش آن بیست‌وپنج مرد باستانی، شورش رهبری در ۱۸۸۸، و شورش سنهدرین در دوره منتهی به صلیب را تکرار کرده است. آن بیست‌وپنج مرد، نمادی هستند که نمایانگر یک کُهان‌تِ لاوی جعلی است.

था। करता आरम्भ करना सेवा वह जब था होता का वर्ष पच्चीस तब लेवी एक

اور خداوند به موسی فرمود: «این است آنچه به لاویان تعلق دارد: از بیست و پنج سالگی به بالا، داخل شوند تا در خدمت خیمه اجتماع به انجام وظیفه پردازند؛ و از پنجاه سالگی، از انجام خدمت آن بازایستند و دیگر خدمت نکنند. بلکه با برادران خویش در خیمه اجتماع خدمت نمایند تا نگرهبانی مسئولیت را به‌جا آورند، اما خود هیچ خدمتی انجام ندهند. بدین‌سان، درباره مسئولیت لاویان با ایشان رفتار کن.» اعداد ۸:۲۳-۲۶.

یک لاوی خدمت خود را در سن بیست‌وپنج‌سالگی آغاز می‌کند و به مدت بیست‌وپنج سال خدمت می‌نماید، تا آنکه به پنجاه‌سالگی برسد. رسول عهد در ملاکی باب سه، در هنگام قانون یکشنبه لاویان را هم تطهیر می‌کند و هم پاک می‌سازد، همان‌گونه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ چنین کرد.

نگاه کنید، من رسول خود را خواهم فرستاد، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و آن خداوندی که شما طالب او هستید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، یعنی آن رسول عهد که شما از او خشنودید؛ اینک، او خواهد آمد، یهوه صباوت می‌گوید.

اما چه کسی می‌تواند روز آمدن او را تاب آورد؟ و چه کسی خواهد ایستاد هنگامی که او ظاهر شود؟ زیرا او مانند آتش پالاینده و همچون صابون رخت‌شویان است. و او چون پالاینده و تصفیه‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را طاهر خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره پاک خواهد نمود، تا هدیه‌ای به عدالت برای خداوند بگذارند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم نزد خداوند مقبول خواهد بود، چنان‌که در ایام قدیم و در سال‌های پیشین بود. ملاکی ۱:۳-۴

पनलेवीलाई जाली एक तर, होइन मात्र लेवीलाई वशिवासी एक केवल रूपमा प्रतीकका एउटा "२५" संख्या चाहे—गराउँछ पहिचान वभिजनलाई वर्गबीचको दुई उपासकहरूको रूपमा प्रतीकका "२५" त्यसकारण जनाउँछ। लेवीको एक केवल पच्चीस संख्या सामा। र गर्हु, बाख्राहरू र भेडाहरू हुन् कुमारीहरू मूर्ख र बुद्धमिन् तनीहरू हो। प्रतीक पनको) शुद्धीकरण (वभिजन लेवीहरूको यो रूपमा महत्त्वपूर्ण उत्तर्क तर, होइन प्रतीक मात्र यो हो। वषिय प्रमुख वचनको भवषियवाणीपूर्ण परमेश्वरको यो र, हुन्छ व्यवस्थामा आइतबारको वभिजन त्यो गर्नुभएको वषियमा अन्तको संसारको येशूले चौबीसमा मत्ती, पच्चीस अध्याय मत्ती कछ उपयुक्त हो। नरिन्तरता केवल भवषियवाणीको

اور يسوع نکل کر پیکل سے روانہ ہوا، اور اُس کے شاگرد اُس کے پاس آئے تاکہ اُسے پیکل کی عمارتیں دکھائیں۔ اور يسوع نے اُن سے کہا، کیا تم یہ سب چیزیں نہیں دیکھتے؟ میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ

یہاں پتھر پر پتھر باقی نہ رہے گا جو ڈھایا نہ جائے۔ متی 24:1، 2۔

وقتی عیسیٰ از معبد بیرون رفت، دیگر ہرگز بازنگشت۔ در آیات پایانی فصل بیست و سہ، عیسیٰ بر سنہدین داوری را اعلام کردہ بود، و این داوری بہ صورت «ہشت» وای بیان می‌شود؛ بدین سان ہشت جان بر کشتی، روز ہشتم ختنہ، روز ہشتم قیام، ہشت نسل ابراہیم، چہار صد و سی سال و پس از آن، بہ گونه‌ای تقلبی بازنمایی می‌گردد۔ عددِ تقلبی «ہشت» با لاویِ تقلبی ہم‌راستا است۔

بہ راستی بہ شما می‌گویم، ہمہٗ این چیزها بر این نسل خواهد آمد۔

اے یروشلم، اے یروشلم، تو جو نبیوں کو قتل کرتی ہے اور انہیں سنگسار کرتی ہے جو تیرے پاس بھیجے گئے ہیں، میں نے کتنی بار چاہا کہ تیرے فرزندوں کو جمع کروں، جس طرح مرغی اپنے چوزوں کو اپنے پروں تلے جمع کر لیتی ہے، مگر تم نے نہ چاہا! دیکھو، تمہارا گھر تمہارے لیے ویران چھوڑ دیا گیا ہے۔

زیرا بہ شما می‌گویم، از این پس مرا نخواہید دید تا آنگاہ کہ بگوئید: مبارک است آن کہ بہ نام خداوند می‌آید۔ متی ۲۳:۳۹-۳۶۔

فصل بیست و دوم متی با تمثیلی دربارہٗ بستہ شدن شیران در دستہ‌ها بہ پایان می‌رسد، و با واپسین رویارویی مسیح با یہودیان مجادلہ جو خاتمہ می‌یابد۔ سپس در فصل ۲۴، او برای آخرین بار معبد را ترک می‌کند و از اعمال خود برای اسرائیل کھن دست می‌کشد۔ این فصل همان‌جا پایان می‌یابد کہ آغاز شدہ بود: با اعلام این کہ خانہٗ ایشان بہ حال تھی برای آنان واگذاشته شد؛ و آنچه او ہنگام نخستین تطہیر معبد «خانہ پدرم» نامیدہ بود، اکنون خانہ تھی یہودیان بود۔

در فصل 24، عیسیٰ در صدد است بہ پرسش‌هایی دربارہٗ ہیکل و ویرانی قریب الوقوع آن پاسخ دہد۔ این ویرانی می‌بایست در همان نسل واقع شود، نسلی کہ نسل افعیان بود۔ او آن ہیکل را ترک کرد تا ہرگز بہ آن بازنگردد؛ از این رو، پیشگویی‌هایی کہ او بیان می‌دارد، خطاب بہ اسرائیل روحانی است، نہ اسرائیل تحت‌اللفظی۔ ہنگامی کہ مسیح ہیکل را ترک می‌کند، یعنی کلیسای لائودیکہ‌ای ادونتیست‌های روز ہفتم را، همان‌گونه کہ با اسرائیل باستان کرد، در همان زمان ہیکل انسانی یک صد و چہل و چہار ہزار نفر برای ابد بہ ہیکل الہی ملحق خواهد شد۔ وقتی عیسیٰ ہیکل اسرائیل باستان را ترک کرد، قوم عہد پیشین خویش را برای ابد طلاق داد۔

از باب یازدہم تا باب بیست و دوم متی، اُمگای خطی است کہ از باب یازدہم تا بیست و دوم در کتاب پیدایش امتداد دارد۔ ہنگامی کہ این خط در پیدایش یازدہ آغاز می‌شود، ہم‌زمان آغاز بابل و نیز پیمان مرگِ بابل را نشان می‌دہد؛ پیمانی کہ بہ تحقق اُمگای خود در مکاشفہ باب ہفدہم، آیہ یازدہم می‌رسد، همان آیہ‌ای کہ دقیقاً در مرکز آیاتی قرار دارد کہ باب‌های یازدہ تا بیست و دوم را تشکیل می‌دہند۔ میانہٗ باب‌های یازدہ تا بیست و دوم در پیدایش، متی و مکاشفہ، ہر یک بر علم، یا بر علم بدلی آن، تأکید می‌ورزند۔ در پیدایش، آن ختنہ بود؛ در متی، پطرس و صخرہ‌ای کہ مسیح کلیسای خود را بر آن بنا می‌کرد؛ و در مکاشفہ، آن وحش بدلی بود کہ بود و نیست و صعود خواهد کرد، کہ ہشتم است و از آن ہفت است، و سپس با اژدہا ازدواج می‌کند۔

یازدہ و بیست و دو نمادہایی ہستند کہ پیوند الوہیت با انسانیت را مشخص می‌کنند؛ و این دقیقاً همان موضوعی است کہ بہ واسطہٗ نگاشتن شریعت خویش بر دل‌ها و ذہن‌های ما توسط مسیح نمود می‌یابد۔ 11 و 22 نمادہای عہد صد و چہل و چہار ہزار ہستند۔ در متی، باب بیست و سہ، کھانتِ کاذب ہشت وای دریافت کرد؛ و در همان مقطع زمانی، کھانتِ حقیقی مسح می‌شود۔ کاهنان بہ مدت ہفت روز تقدیس می‌شدند، و در روز ہشتم خدمت خود را آغاز می‌کردند۔

این امر تصادفی نیست که هفت روز تقدیس کاهنان، که به آغاز خدمت ایشان در روز هشتم انجامید، در کتاب اعداد، باب هشت، آیه یک آغاز می‌شود؛ زیرا «81» نمادی از کاهنان است.

اور خداوند به موسیٰ فرمود: «بارون اور اُس کے بیٹوں کو اُس کے ساتھ لے، اور وہ لباس، اور مسح کرنے کا تیل، اور خطا کی قربانی کے لیے ایک بچہڑا، اور دو مینڈھے، اور بے خمیری روٹیوں کی ایک ٹوکری؛ اور ساری جماعت کو خیمہ اجتماع کے دروازہ پر جمع کر۔» اور موسیٰ نے ویسا ہی کیا جیسا خداوند نے اسے حکم دیا تھا؛ اور جماعت خیمہ اجتماع کے دروازہ پر جمع کی گئی۔ اور موسیٰ نے جماعت سے کہا: «یہی وہ بات ہے جسے خداوند نے کرنے کا حکم دیا ہے۔» ...

ن پورے دنی کے اہمیشک تمہارے تک جب، نکیلنا ن باہر تک دنیوں سات سے دوار کے تمبھ کے سہا تم اور کی کرنے ہی وےسا، ہے گیا کھیا آج جےسا کرےگا۔ اہمیشک تمہارا تک دنیوں سات وہ کھوکھ؛ جاؤ ہو پر دوار کے تمبھ کے سہا تم اسلے جاؤ۔ کھیا پراشکتیت لے تمہارے تاک، ہے دی آججنا نے یہووا کھوکھ؛ جاؤ ن مر تم تاک، کرنا پالن کا آججنا کی یہووا اور، رھنا ٹھرے رات سات اور دنی سات دوار کے مہسا نے یہووا جو کی باتے سب وے نے پوتروں اسکے اور ہارون تب ہے۔ گڈ دی آججنا ہی اےسی مڈھ پورنہیوں کے اسراؤل اور، کو پوتروں اسکے اور ہارون نے مہسا کھیا اےسا دنی آٹھوے اور تھی۔ دی آججنا اےک لے کے ہومبل اور، بھڈا اےک لے کے پاپبل لے اپنے تو، ”کھا سے ہارون اسنے اور؛ بولا یا کو یہووا جسے ہے بات وہ یہی، ”کھا نے مہسا تب“ ... چڈا۔ سممخ کے یہووا انھے اور، لے، نردیوہ دونوں، مڈھ اپنا اور کی لوگوں نے ہارون تب“ ... ہوگی۔ پڑکٹ پر تم مہمی کی یہووا اور؛ ہے دی آججنا کی کرنے نے مہسا تب اترے۔ نیچے چڈاکر کو مبللیوں اور، ہومبل، پاپبل اور، دیا آشیرواد انھے اٹاکر ہاتھ لوگوں سب مہمی کی یہووا اور؛ دیا آشیرواد کو لوگوں آکر باہر اور، گے مے تمبھ کے سہا ہارون اور کر ہسم کو چربی اور ہومبل پر ویدی اسنے اور نکیلی آگ سے سممخ کے یہووا تب ہڈی۔ پڑکٹ پر 8:1-5, 33-36؛ لےویکھ پڈے۔ گری بل کے مڈھ اور لگے کرنے ججکھار لوگ سب دھکھار یہ؛ دیا 9:1, 2, 6, 22-24.

باب بیست و سہ، لاویان جعلی را معرفی می‌کند که در زمانی آشکار می‌شوند که لاویان حقیقی مہر می‌گردند. باب بیست و دوم متی با این نتیجه پایان می‌یابد که دیگر هیچ کس هرگز از عیسی سؤال دیگری نپرسید؛ سپس در باب بیست و سہ، او هشت وای را بیان می‌کند و بدین سان مشخص می‌سازد که مهلت آزمون سنهدرین بسته شده بود و از آن هنگام داوری اجرایی می‌بایست آغاز شود. در باب بیست و چهار، او هیکل را خانه یهود معرفی می‌کند. مهم است که توالی این باب‌ها دیده شود.

باب‌های یازده تا بیست و دوی متی، تکمیل ختم مہر شدن صد و چهل و چهار هزار را در چارچوب عهد خدا با قومی برگزیده مشخص می‌کند. نمادپردازی پلمونی در باب یازدهم آلفا، و نمادپردازی او در باب بیست و دوم امگا، بر روایت درون این باب‌ها می‌افزاید.

باب بیست و سوم کفارہ است، یعنی پیوند یافتن الهی با انسانی، چنان‌که عدد بیست و سہ آن را نمایندگی می‌کند. اما این باب از داوری اجرایی علف‌های هرز، کھانت جعلی، و لاویان جعلی سخن می‌گوید. هر کاهنی لاوی بود، اما هر لاوی کاهن نبود. در میان نوادگان لاوی، تنها نسل خونی هارون برای کھانت صلاحیت داشت. کتاب مقدس تصریح می‌کند که لاویان از سن بیست و پنج سالگی خدمت را آغاز می‌کردند، اما پسران قہات در سی سالگی به خدمت می‌پرداختند.

وَكَلَّمَ الرَّبُّ مُوسَى وَهَارُونَ قَائِلًا: «خُذَا عَدَدَ بَنِي قَهَاتٍ مِنْ بَنِي لَآوِي، حَسَبَ عَشَائِرِهِمْ، وَبَنِي آبَائِهِمْ، مِنْ ابْنِ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَصَاعِدًا إِلَى ابْنِ خَمْسِينَ سَنَةً، كُلٌّ دَاخِلٌ فِي الْجُنْدِ لِيَعْمَلَ عَمَلًا فِي خِيْمَةِ الْاجْتِمَاعِ». العدد 3-4:1.

شماره «۳۰» نمایانگر کاهنانی است که در نسل قہات بودند؛ قہات که پسر لاوی بود، و پسر قہات، عیمرام بود که پدر هارون بود. لاوی به معنای «پیوسته یا ملحق به خدا» است. قہات به معنای

«گردآمده پیرامون حضور او» است. عِمرام به معنای «قوم سرافراز» است، و هارون به معنای «حامل نور یا میانجی سرافراز» است. اینها در کنار هم حرکتی را از دریای سرخ تا سینا ترسیم می‌کنند، و بدین‌سان، عهد میان خدا و صد و چهل و چهار هزار را نمونه‌وار مجسم می‌سازند؛ همانانی که هیكل انسانی‌اند و با هیكل الهی متحد می‌شوند، هنگامی که مسیح بار دوم دست خود را دراز می‌کند تا باقیمانندگان قوم خویش را در قدس خود گرد آورد، جایی که سپس آنان را برمی‌افرازد و سرافراز می‌گرداند، آنگاه که با کاهن اعظم آسمانی منور می‌شوند، چنان که شدرک، میشک و عیدنغو را منور ساخت.

عدد «30» نمایانگر دوره‌ای برای آماده‌سازی کاهنان است، و 25، به‌عنوان سن لاویان، باید بر 30، سطر بر سطر، تطبیق داده شود؛ زیرا هر کاهنی لاوی بود، اما هر لاوی کاهن نبود. سی نمایانگر دوره آماده‌سازی است که در سال 1989، در زمان آخر، آغاز شد و با قانون یکشنبه در ایالات متحده پایان می‌یابد. عدد بیست‌وپنج، به‌عنوان نمادی از لاویان، همچنین نماد جدایی میان دو طبقه است، و در ارتباط با کاهنان، جدایی‌ای را مشخص می‌سازد. بیست‌وپنج جدایی لاویان و لاویان جعلی را در قانون یکشنبه نشان‌گذاری می‌کند، و در بستر کاهنان حقیقی و لاویان حقیقی نیز تمایزی پدید می‌آورد؛ هرچند نه جدایی‌ای منفی، چنان‌که در مورد لاویان جعلی است.

قهاث یکی از سه شاخه اصلی لاویان بود (همراه با جرشون و مراری). سلسله کاهنی به‌طور خاص از طریق هارون، از نسل قهاث، پدید آمد. هارون از نسل چهارم لاوی است، و امتیاز کاهنی در درون این شاخه قهاثی، به فرزندان ذکور او محدود بود. قهاثیان به‌طور کلی (یعنی همه نسل قهاث) این شرف را داشتند که مقدس‌ترین اشیا را حمل کنند، اما تنها خاندان هارون می‌توانستند عملاً وظایف کاهنی را نزد مذبح و در قدس به‌جا آورند. هارون نمایانگر همان نسل چهارم است که با «پیران» در یوئیل، یا «مشایخ» در فصل هشتم حزقیال که به خورشید سجده می‌کنند، مطابقت دارد.

د ۲۴ نوبتی دورو (فرقو) نظام د کاهنانو لپاره—او په همدې ډول د هغو لاویانو لپاره هم چې کاهنان نه وو، خو د مرستندویه دندو لکه د موسیقارانو او دروازه‌ساتونکو په توګه یې خدمت کاوه—د پاچا داود له خوا جوړ شو. داود د هارون اولادونه په ۲۴ دورو (فرقو) ووېشل، څو په نوبت سره خدمت وکړي (1 Chronicles 24:1-19). داود، د کاهنانو صادق (د العازار له کرنې) او اخیمالک (د ایتمار له کرنې) په مرسته، هغوی په ۲۴ ډلو ووېشل (۱۶ د العازار له لویې کورنۍ څخه، او ۸ د ایتمار له کورنۍ څخه). د خدمت د ترتیب د ټاکلو لپاره قرعې واچول شوې.

هر نوبت به مدت یک هفته خدمت می‌کرد (از سبت تا سبت)، سالی دو بار، و افزون بر آن، در ایام اعیاد بزرگ، همه نوبت‌ها با هم خدمت می‌نمودند (فصح، پنتیکاست، عید خیمه‌ها). داود همچنین لاویان غیرکاهن را نیز در ۲۴ نوبت برای موسیقی، درباری، و امور دیگر سازمان داد (۱ تواریخ ۲۳-۲۶). این نظام در دوران سلیمان به اجرا درآمد (۲ تواریخ ۸:۱۴) و در سراسر دوره معبد دوم ادامه یافت. زکریا، پدر یحیی‌ای تعمیددهنده، از نوبت ابیا بود—لوقا ۱:۵؛ ۱ تواریخ ۲۴:۱۰. ترتیب ۲۴ نوبت کاهنان به قید قرعه تعیین شده بود، و زکریا در نوبت ابیا قرار داشت که از میان بیست‌وچهار نوبت، نماینده نوبت «هشتم» بود. زکریا یعنی «خدا به یاد می‌آورد»، و نام پدرش، ابیا، یعنی «خدا پدر من است».

پدر آسمانی وعده خود را برای برانگیختن پیام‌آوری که راه را برای مسیحا مهیا سازد، به یاد آورد. اما زکریا همچنین با قانون یکشنبه هم‌راستا می‌شود، زیرا در آنجاست که سبت، آن روزی که انسان‌ها می‌بایست همواره به یاد داشته باشند، به آزمون نهایی بدل می‌گردد. زکریا نماینده کاهنی است از فرقه ابیا، که «هشتمین» فرقه است. زکریا پیام فرشته را باور نمی‌کند و تا هنگام تولد پسرش، یحیی، لال می‌گردد. هنگامی که یحیی به دنیا می‌آید، زکریا در گفت‌وگو درباره نام یحیی وارد می‌شود، و سپس سخن می‌گوید. این سخن گفتن نبوی ایام آخر همان زمانی است که ایالات متحده همچون اژدها

سخن می‌گوید.

اور ایسا ہوا کہ آٹھویں دن وہ بچے کا ختنہ کرنے آئے، اور وہ اُس کے باپ کے نام پر اُس کا نام زکریا رکھنا چاہتے تھے۔ مگر اُس کی ماں نے جواب میں کہا، نہیں، بلکہ اُس کا نام یوحنا رکھا جائے گا۔ اور اُنہوں نے اُس سے کہا، تیرے رشتہ داروں میں کوئی بھی ایسا نہیں جس کا یہ نام ہو۔ پھر اُنہوں نے اُس کے باپ سے اشاروں میں پوچھا کہ وہ اُس کا کیا نام رکھنا چاہتا ہے۔ اور اُس نے ایک تختی مانگی اور یہ لکھا: اُس کا نام یوحنا ہے۔ اور سب تعجب کرنے لگے۔ اور اسی وقت اُس کا منہ کھل گیا اور اُس کی زبان آزاد ہو گئی، اور وہ بولنے لگا اور خدا کی حمد کرنے لگا۔ لوقا 1:59-64.

یوحنا تعمید دہندہ از فرقہ ہشتم ابیا بود، چنان کہ پدرش نیز بود. در ختنہ یوحنا، در روز ہشتم نام او تغییر داده می‌شود. یوحنا تعمید دہندہ نمایانگر کسانی است کہ کاهن‌اند، از نسل چہارم‌اند، در رابطہ‌ای عہدی پا خدا قرار دارند، و خدا نام ایشان را تغییر می‌دهد (از لائودکیہ بہ فیلا دلفیا)، و ایشان را با نشان عہد مہر می‌زند، ہنگامی کہ ایالات متحدہ همچون اژدہا سخن می‌گوید.

ما ہیکل خدا ہستیم. خطوط نبوی‌ای کہ ہیکل را مخاطب قرار می‌دهند، ہم با مردان و زنان بہ عنوان افراد سخن می‌گویند، و ہم بہ صورت جمعی؛ زیرا کلیسای خدا نیز ہیکل است. و البتہ ہیکلی آسمانی نیز ہست، و این مسیح است کہ ہیکل خداوند را بنا می‌کند. اوست کہ بنیاد را می‌نهد و سنگ سرپوش را بر ہیکل قرار می‌دهد. از حیث این کہ عدد «25» یک نماد است، 25 نمایانگر لاویان است کہ در باب سوم ملاکی از لاویان جعلی پاک می‌شوند (جدا می‌گردند)، و نیز در همان بخش تطہیر می‌شوند. در حزقیال، باب‌های 40 تا 48، ہیکلی نمادین با جزئیاتی فراوان توصیف شدہ است. آب حیات از آن ہیکل جاری می‌شود و زمین را پر می‌سازد.

«شگفت‌انگیز است کاری کہ خدا قصد دارد بہ واسطہٴ خادمان خویش بہ انجام رساند، تا نام او جلال یابد. خدا یوسف را برای قوم مصر چشمہ حیات ساخت. بہ واسطہٴ یوسف، زندگی تمام آن قوم حفظ شد. و بہ واسطہٴ دانیال، خدا جان ہمہ حکیمان بابل را نجات داد. و این رہایی‌ہا همچون درس‌های عینی بود؛ بہ مردم برکات روحانی‌ای را کہ از طریق پیوند با خدایی کہ یوسف و دانیال او را پرستش می‌کردند، بہ ایشان عرضه می‌شد، بہ تصویر می‌کشید. همچنین امروز خدا می‌خواہد بہ واسطہٴ قوم خود برکات را بہ جہان برساند. ہر خادمی کہ مسیح در دل او ساکن است، ہر کسی کہ محبت او را بہ جہان آشکار خواہد ساخت، ہمکار خدا برای برکت رساندن بہ بشریت است. همان‌گونہ کہ او از نجات دہندہ فیضی دریافت می‌کند تا بہ دیگران عطا نماید، از تمامی وجودش سیلاب حیات روحانی جاری می‌گردد. مسیح بہ عنوان طیب اعظم آمد تا زخم‌هایی را کہ گناہ بر خانوادہ بشری وارد ساختہ است شفا بخشد؛ و روح او کہ از طریق خادمانش عمل می‌کند، بہ انسان‌های رنج‌کشیدہ و گناہ‌زده نیرویی عظیم و شفا بخش عطا می‌نماید کہ برای جسم و جان مؤثر است. «در آن روز»، کتاب مقدس می‌گوید، «چشمہ‌ای برای خاندان داود و برای ساکنان اورشلیم بہ جہت گناہ و ناپاکی گشودہ خواہد شد.» زکریا ۱:۱۳. آب‌های این چشمہ دارای خواص درمان بخشی است کہ ہم ناتوانی‌های جسمانی و ہم ضعف‌های روحانی را شفا خواہد داد.»

«از این سرچشمہ، آن نہر عظیم کہ در رؤیای حزقیال دیدہ شد جاری می‌گردد.» این آب‌ہا بہ سوی ناحیہ مشرق جاری می‌شوند، و بہ صحرا فرود می‌روند، و بہ دریا داخل می‌گردند؛ و چون بہ دریا برسند، آب‌ہا شفا خواہند یافت. و واقع خواہد شد کہ ہر موجود زندہ‌ای کہ حرکت می‌کند، ہر جا کہ این نہرہا برسند، زندہ خواہد ماند.... و در کنار نہر، بر این کرانہ و آن کرانہ آن، ہرگونہ درخت برای خوراک خواہد رویید، کہ برگش پژمردہ نخواہد شد، و میوہ‌اش تمام نخواہد گردید؛ ہر ماہ میوہ تازہ خواہد آورد، زیرا آب‌های آن از مقدس جاری می‌شوند؛ و میوہ آن برای خوراک، و برگ آن برای شفا خواہد بود.» حزقیال 47:8-12. «شہادت‌ہا، جلد 6، 227.

معبد حزقی ایل بلندترین درجے کی نبوی علامت نگاری ہے، اور یوحنا کو مکاشفہ کے گیارہویں باب میں حکم دیا گیا تھا کہ معبد کی پیمائش کرے، لیکن صحن کو چھوڑ دے۔ جب ہم یہی کام حزقی ایل کے معبد کے ساتھ کرتے ہیں تو ہمیں معلوم ہوتا ہے کہ معبد کے ابعاد میں دو سب سے نمایاں اعداد کہانت کی نمائندگی کرتے ہیں۔ 50 ہاتھ سب سے نمایاں عدد ہے، اور یہ ہر دروازہ جاتی مجموعے کی لمبائی کے طور پر 11 مرتبہ دہرایا گیا ہے (حزقی ایل 40:15، 21، 25، 29، 33، 36، وغیرہ)۔ 50 بعض دیواروں اور حجروں کی لمبائیوں کے لیے بھی استعمال ہوا ہے (7:42-8)۔ یہ بیرونی دہلیز سے اندرونی دہلیز تک دروازے کی مکمل گزرگاہ کی تعیین کرتا ہے۔

۲۵ ذراع بہ روشنی دومین اندازہ برجستہ است۔ این اندازہ ۱۰ بار بہ عنوان عرض و پهنای مجموعه های دروازہ تکرار می شود (حزقیال 40:13، 21، 25، 29، 30، 33، 36)۔ در کنار هم، ۵۰ و ۲۵ الگوهای مستطیلی ثابت ۵۰ در ۲۵ را برای شش دروازہ اصلی تشکیل می دهند۔ این جفت ۵۰ در ۲۵ بر توصیف معماری دروازہ هایی کہ بہ بخش های درونی راه می یابند، غلبہ دارد۔ در خود بنای معبد، هیچ جفت دیگری نیست کہ با چنین بسامد نظام مند تکرار شود۔

لاویان در سن ۲۵ سالگی بہ خدمت فعال وارد می شدند (اعداد ۸:۲۴): «از بیست و پنج سالہ و بالاتر داخل شوند تا در خدمت خیمہ اجتماع انجام وظیفہ کنند»۔ آنان تا سن ۵۰ سالگی خدمت می کردند (اعداد ۴:۳، ۳۹، ۴۳؛ ۸:۲۵): «تا پنجاہ سالگی»۔ این دقیقاً ۲۵ سال خدمت فعال را تشکیل می دهد (۵۰ - ۲۵ = ۲۵)۔

لہذا لاوی خدمت کی پچیس سالہ مدت براہ راست اُن پچیس ضرب پچاس ہاتھ کی پیمائشوں میں منعکس ہوتی ہے جو ہیکل کے دروازوں اور اُس کی ساخت پر غالب ہیں—یعنی عین وہی مقام جہاں لاوی خدمت کرتے تھے۔ حزقی ایل کی ہیکل کی بنیادی ابعاد، یعنی غالب آنے والی کلیسیا کی ہیکل اور ایک لاکھ چوالیس ہزار کی ہیکل، عین اسی ہیکل کی تعمیراتی ساخت میں نقش کر دی گئی ہیں جہاں انہیں خدمت کرنی تھی؛ بالکل اُسی طرح جیسے چھیالیس کروموسوم عین اُس ہیکل میں شامل کیے گئے ہیں جہاں خدا کے لوگوں نے خدمت کرنی ہے۔ پلمونی نے انفرادی انسانی ہیکل اور اجتماعی جسمانی ہیکل، جو اُس کی دلہن ہونے والی ہے، دونوں پر اپنی مہر ثبت کر دی ہے۔

ما این مباحث را در مقالہ بعدی پی خواهیم گرفت۔

«کسانی کہ در مناصب مسئولیت قرار دارند، نباید بہ اصول خودکامانہ و اسراف کارانہ جہان گرایش یابند، زیرا توان آن را ندارند؛ و اگر ہم می داشتند، اصول مسیح گون ہرگز آن را اجازہ نمی داد۔ تعلیمات گوناگون باید دادہ شود۔» او معرفت را بہ کہ خواہد آموخت؟ و فہم تعلیم را بہ کہ خواہد فہمائید؟ بہ آنان کہ از شیر بازگرفتہ شدہ اند و از پستان جدا شدہ اند۔ زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ قاعدہ بر قاعدہ، قاعدہ بر قاعدہ؛ اینجا اندکی و آنجا اندکی۔» بدین سان کلام خداوند باید با شکیبایی در برابر کودکان نہادہ شود و بہ وسیلہ والدینی کہ بہ کلام خدا ایمان دارند، پیوستہ در برابر ایشان نگاہ داشتہ شود۔ «زیرا او با لب های لکنت آمیز و بہ زبانی دیگر با این قوم سخن خواہد گفت۔ بہ ایشان گفت: این است آرامشی کہ با آن می توانید خستہ را آرامش دہید؛ و این است تازگی بخشی؛ اما ایشان نخواستند بشنوند۔ از این رو کلام خداوند برای آنان چنین شد: حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ قاعدہ بر قاعدہ، قاعدہ بر قاعدہ؛ اینجا اندکی و آنجا اندکی؛ تا بروند و بہ عقب افتند و شکستہ شوند و بہ دام افتند و گرفتار گردند۔» چرا؟—زیرا بہ کلام خداوند کہ نزد ایشان آمد، توجہ نکردند۔»

«این بدان معناست کہ کسانی ہستند کہ تعلیم نیافتہ اند، اما حکمت خویش را گرامی داشتہ اند و برگزیدہ اند کہ بر وفق اندیشہ های خود عمل کنند۔ خداوند چنین اشخاصی را بہ آزمون می گذارد تا یا جایگاہ خود را اختیار کنند و از مشورت او پیروی نمایند، یا امتناع ورزند و بر طبق اندیشہ های

خود رفتار کنند؛ و آنگاه خداوند آنان را به نتیجه حتمی آن و خواهد گذاشت. در همه راه‌های ما، در سراسر خدمت ما به خدا، او به ما می‌گوید: "پسرم، دل خود را به من بده." آنچه خدا می‌خواهد، روحی مطیع و تعلیم‌پذیر است. آنچه به دعا برتری و کمال می‌بخشد، این حقیقت است که از دلی محبت‌آمیز و فرمانبردار برمی‌خیزد.»

«خدا از قوم خود امور معینی را مطالبه می‌کند؛ اگر ایشان بگویند، من دل خود را و نخواهم داشت تا این امر را به‌جا آورم، خداوند آنان را و می‌گذارد تا در داوری‌ای که آن را حکیمانه می‌پندارند، اما از حکمت آسمانی بی‌بهره است، پیش روند، تا این آیه [اشعیا ۲۸:۱۳] تحقق یابد. شما نباید بگویید، من هدایت خداوند را تا نقطه‌ای پیروی خواهم کرد که با داوری من موافق باشد، و سپس به اندیشه‌های خود سخت متمسک شوید و نپذیرید که مطابق شباهت خداوند شکل داده شوید. بگذارید این پرسش مطرح شود، آیا این اراده خداوند است؟ نه اینکه، آیا این نظر یا داوری — است؟» Testimonies to Ministers, 419.